

مدیریت راهبردی، راهبرد اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی؛

رهیافتی از داستان یوسف نبی علیه السلام در قرآن کریم

عباس شفیعی^۱

مصطفی کاظمی نجف آبادی^۲



چکیده

اقتصاد مقاومتی یکی از نیازهای اصلی جامعه اسلامی در همه اعصار است و قرآن کریم به عنوان معجزه جاویدان نسبت به پاسخگویی به این نیاز بی تفاوت نبوده است. پیامبران الهی در طول دوران رسالت و حکومت خویش، با انواع تهدیدها، تحریم‌ها و بحران‌ها مواجه بوده‌اند که با استعانت از منبع وحی و با تدابیر مناسب توانسته‌اند تصمیماتی را اتخاذ کنند که هم در عصر خودشان ثمربخش بوده و هم برای سایر زمان‌ها و همه جوامع درس آموز و مایه عبرت بوده است. در این مقاله به منظور دستیابی به الگوی تحقق اقتصاد مقاومتی با رهیافتی قرآنی در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش با بهره‌گیری از روش تدبر داستان محور در قرآن کریم، به الگوی مدیریت راهبردی حضرت یوسف علیه‌السلام در مدیریت بحران اقتصادی خشک‌سالی برای مقاوم‌سازی کشور مصر پرداخته می‌شود. رهیافت‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این الگو مشتمل بر عناصر دروندادی همچون «چشم‌انداز توحیدی» و عناصر فرایندی همچون «استراتژی‌ها و اصول راهبردی» و عناصر برون‌دادی همچون «اقدامات راهبردی» بوده و در نهایت دربرگیرنده تدوین استراتژی، اجرا و ارزیابی راهبردی است با این تصویر می‌تواند به عنوان الگویی کارساز برای تدوین و اجرای اقتصاد مقاومتی باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، مدیریت راهبردی، یوسف نبی علیه السلام، قصص قرآنی

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ashafiee844@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه mostafakazemi@rihu.ac.ir

مقدمه

لفظ اقتصاد مقاومتی را مقام معظم رهبری اولین بار در سال ۱۳۸۹ در سخنرانی در جمع کارآفرینان ایراد فرمودند. تأکیدات ایشان بر مقاوم سازی اقتصاد و توانمندسازی درونی اقتصاد را می توان از اواسط دهه ۸۰ رصد کرد. معظم له ادبیات اقتصاد مقاومتی را در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مطرح کردند. اولین اتفاق مهم در این حوزه ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲ بود. سپس معظم له در دیدارهای جداگانه ای که با سران قوا و مسئولین نظام داشتند دستورات و توجیهات اختصاصی در این خصوص را مطرح نمودند. در ابتدای سال ۱۳۹۳ اقتصاد ایران با نظریه اقتصاد مقاومتی مواجه شد. در سال های اخیر رهبر معظم انقلاب در طی سخنرانی های متعددی مبنای اقتصادی انقلاب اسلامی را در سه مفهوم اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خلاصه و معرفی نموده اند.

طبق بیانات معظم له اقتصاد مقاومتی نسخه معاصر از نظام اقتصادی اسلام است که برای تحقق آن سیاست های ۲۴ گانه ای (۱. کارآفرینی و مشارکت عمومی، ۲. اقتصاد دانش بنیان، ۳. فعال سازی مزیت های اقتصادی استان ها، ۴. نظام یارانه ها، ۵. سهم بری عادلانه عوامل تولید، ۶. اولویت تولید و تأمین کالاها ی اساسی، ۷. امنیت غذایی، ۸. اصلاح الگوی مصرف، ۹. اصلاح نظام مالی، ۱۰. توسعه صادرات غیرنفتی، ۱۱. استفاده از ظرفیت مناطق آزاد ویژه، ۱۲. دیپلماسی اقتصادی، ۱۳. نفت و گاز به عنوان محور توسعه صنعتی کشور، ۱۴. میادین مشترک و الگوی بهره برداری از آنها، ۱۵. تأمین زنجیره ارزش در داخل، ۱۶. کاهش هزینه های عمومی، ۱۷. اصلاح نظام مالیاتی، ۱۸. قطع وابستگی به نفت، ۱۹. مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۲۰. فرهنگ جهادی و ترویج آن، ۲۱. گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی، ۲۲. بسیج همه امکانات دولت در این راستا، ۲۳. نظارت بر عملکرد بازار، ۲۴. استاندار) را ابلاغ فرمودند. (عبدالملکی، ۱۳۹۵، ص ۳۰) از چندین فراز از این سیاست ها برداشت می شود مدیریت راهبردی اسلامی یکی از شاه کلید های اصلی و اساسی در میان این سیاست های ابلاغی است. چنانچه در ادامه تحقیق نیز بررسی خواهد شد بسیاری از این سیاست ها را حضرت یوسف علیه السلام جهت مدیریت هرچه بهتر بحران اتخاذ نمودند که غالباً این سیاست های اتخاذی به بحث مدیریت راهبردی برمی گردد. به عنوان نمونه می توان به سیاست های ۶-۷-۹-۱۵-۲۰-۲۱-۲۲ اشاره نمود؛ که حضرت یوسف علیه السلام طبق مستندات



قرآنی، توانست با اتخاذ این سیاست ها اقتصاد مصر را از ورطه نابودی و هلاکت رهایی بخشد.

بیان مسئله

ویژگی الگویی و سرمشق بودن انبیاء الهی در قرآن به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأیید گردیده است (ممتحنه، ۴ و ۶ و احزاب ۲۱) و مدیریت و حکومت انبیای الهی جزء عناصر ذاتی رسالت آنان بوده و از مشیت های تشریحی خداوند است لذا پیامبر اسلام دستور دارد که به روش آنان اقتداء نماید (انعام ۸۲-۹۰) آنچه از قرآن راجع به عناصر الگوی راهبردی انبیاء و نیز وظیفه ما در قبال آنها استنباط می شود، نقش الگویی آنان را تأیید می کند؛ (بقره ۱۳۵ و ۲۸۵ و آل عمران ۸۴). بنابراین همه انبیاء الهی و تمامی دستورات و عناصر الگوی راهبردی آنان که از زبان پیامبران الهی در سه نوع کلی اعتقادی، اخلاقی و عبادی در قرآن کریم وجود دارد، لازم الاتباعند. الگوی مدیریت راهبردی انبیاء الهی می تواند مشتمل بر چارچوبی کلی از چشم انداز، راهبردها، اصول و اقدامات راهبردی باشد که از بررسی ادوار مختلف زندگی اجتماعی و مدیریتی رهبران توحیدی و با توجه به گزاره های دینی و گزاره پردازی به منظور دستیابی به مدل های انتزاعی حاصل می شود؛ این الگو گاهی در تدوین استراتژی، زمانی در اجرای استراتژی و نهایتاً در ارزیابی استراتژی خود را نشان می دهد؛ لذا مدیریت راهبردی انبیاء را می توان به عنوان منظومه ای در نظر گرفت که دارای درونداد، فرایند و برونداد است؛ درونداد این سیستم دربرگیرنده عنصر چشم انداز توحیدی و عناصر فرایندی آن استراتژی ها و اصول راهبردی توحیدی و عنصر بروندادی آن اقدامات راهبردی توحیدی است؛ بر اساس این الگوی منظومه ای، انبیاء الهی ابتدا چشم انداز توحیدی را ترسیم کرده و به پیروان خود مقصد نهایی و مسیر حرکت را در دالان راهبردی نشان می دهند؛ این تحقیق درصدد یافتن پاسخی مناسب برای این سؤال است که با توجه به وضعیت کنونی کشور و الزام کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی، آیا می توان به رهیافت هایی مناسب از مدیریت راهبردی انبیای الهی بر اساس داستان های قرآنی، برای تحقق اقتصاد مقاومتی دست یافت؟ بدیهی است که بررسی داستان تمامی انبیای الهی در ظرف یک مقاله امکان پذیر نیست بنابراین این پژوهش تنها به داستان یوسف نبی محدود گردیده است. از این رو در این مقاله از روش تدبیر داستان محور استفاده شده است؛ یافته های تحقیق حاکی از این است که با توجه به داستان یوسف نبی ﷺ می توان ادعا

کرد که مدیریت راهبردی اسلامی، راهبرد اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور است.

مروری به ادبیات پژوهش

با عنایت به اینکه موضوع این تحقیق به سه حوزه مدیریت راهبردی، اقتصاد مقاومتی و رهیافت‌های قصص قرآنی نظر دارد، می‌توان اهم مطالعات انجام‌یافته در این سه حوزه را به سه بخش که تاکنون کاملاً به صورت مجزا مورد بحث و نظر دانشمندان قرار گرفته، تفکیک نمود.

۱. مطالعات مهم حوزه مدیریت راهبردی اسلامی

حسین سالاری (۱۳۹۵) به تبیین مدیریت راهبردی در اسلام پرداخته و درصدد تدوین استراتژی در حکومت علوی برآمده است. رضا بنی اسد (۱۳۹۰) بحث مدیریت راهبردی را با تأکید بر جهاد اقتصادی تبیین و تشریح نموده است. ابراهیم حسن بیگی (۱۳۹۰) به بحث مدیریت راهبردی پرداخته و در بخش‌هایی به رهیافت‌های اسلامی اشاره کرده است و سید محمد مقیمی (۱۳۹۴) در کتاب اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام به واکاوی برنامه‌ریزی پرداخته است. پیروز و همکاران (۱۳۸۴) در کتاب مدیریت در اسلام به برنامه راهبردی حضرت یوسف اشاره کرده‌اند.

۲. مطالعات مهم حوزه رهیافت‌های قصص قرآنی

دیباچی (۱۳۸۷) به الگوهای حکومت‌داری پیامبران در قصص قرآن پرداخته و راهبردهای مختلف را طرح کرده است.

نقی پورفر (۱۳۷۱)، در کتاب خود با تأکید بر استراتژی قصص محور، اصول و الگوهای مدیریتی را مطرح کرده به قصص قرآنی، همچون ابراهیم و ذیح اسماعیل، ابراهیم و آتش نمرود، یونس و خروج بدون اجازه خداوند، لوط و فرمان خروج، موسی و دستور حرکت و ... اشاره کرده است محمدی سیرت (۱۳۹۱) نیز به طرح قصص انبیاء در قرآن همانند حضرت نوح علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام و نبی اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته است وی در این پژوهش، اصول مدیریت بحران را در سه مرحله، قبل، حین و بعد از بحران در سیره انبیاء بررسی می‌کند. عباسی مقدم (۱۳۷۹) در پژوهشی اسوه‌های قرآنی را مورد توجه قرار داده و شیوه‌های تبلیغی آنان را مورد مطالعه قرار می‌دهد.



۳. مطالعات مهم حوزه اقتصاد مقاومتی

سیف (۱۳۹۱) پس از تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی به ارائه الگوی اقتصاد مقاومتی در ایران پرداخته است وی برای نیل بدین منظور پس از تبیین مؤلفه‌های رشد، عدالت و ثبات به راهبردهای مقابله با تحریم اقتصادی غرب پرداخته است.

تاری و کاویانی (۱۳۹۲) بدین نتیجه دسترسی یافته‌اند که اقتصاد مقاومتی در بلندمدت تا حدود زیادی به یک اقتصاد توسعه‌یافته و سالم شباهت دارد، با این تفاوت که تهدیدهایی که از سوی جامعه جهانی وجود دارد را نیز همواره در نظر می‌گیرد.

فشاری و پور غفار (۱۳۹۳)، در پژوهش خود بر این امر تأکید می‌کند که لازم است فرهنگ اقتصاد مقاومتی ترویج گردیده و راه حل‌های مقابله با تحریم‌ها نهادینه گردد و به ظرفیت تولید داخلی توجه شود.

میرمعزی (۱۳۹۱) پس از تفسیر و تبیین دیدگاه مقام معظم رهبری، تصریح نموده است که ایشان معتقدند که اقتصاد مقاومتی، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در مواجهه با تهدیدات اقتصادی، تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌نماید.

تراب‌زاده جهرمی و همکاران (۱۳۹۲)، مهندسی اقتصاد مقاومتی را طراحی و مدل‌سازی ویژه‌ای از شرایط و سازوکارهای اقتصادی می‌دانند که فضای اقتصادی کشور را در فرض وجود تهدیدات به حالت فعال به مواجهه با تهدیدات واداشته و همه تهدیدات را به فرصت تبدیل می‌نماید.

حسین زاده بحرینی (۱۳۹۲) معتقد است که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که مدیریت آن، راهبردی و همه‌جانبه نگر است و خاستگاه آن تحریم‌های اقتصادی دشمن نیست؛ بلکه سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور است.

سیفلو (۱۳۹۳) معتقد است که اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی در واقع راهبرد دفاع غیرعوامل اقتصادی است وی تلاش نموده تا الگویی مبتنی بر جنگ اقتصادی و دفاع غیرعوامل اقتصادی جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی طراحی نماید. وی در اثر دیگر خود (سیفلو، ۱۳۹۳) اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان یک راهبرد اقتصادی معرفی می‌کند که با مقاوم‌سازی اقتصادی به صورت مطلق مترادف نیست وی معتقد است که مترادف این دو مفهوم مستلزم خروج مفهوم مقاوم‌سازی اقتصادی از حالت انفعال به حالت فعال است.

اسدی (۱۳۹۳) بر این باور است که اقتصاد مقاومتی قادر است که در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران‌ها به صورت پویا و پایدار منابع را به شکل بهینه تخصیص دهد. وی اقتصاد مقاومتی را ثمره شجره اقتصاد اسلامی می‌داند.

پیغامی (۱۳۹۴) به مجموعه کاملی از نظام موضوعات اقتصاد مقاومتی (همچون جایگاه اقتصاد مقاومتی و راهکارهای عملیاتی شدن آن، مردمی کردن اقتصاد، راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی و...) در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته است. اگرچه مطالعات در سه حوزه مدیریت راهبردی اسلامی، رهیافت‌های قرآنی داستان محور و اقتصاد مقاومتی وجود دارد مع‌الوصف پژوهشی که بتواند این سه حوزه را باهم مرتبط سازد انجام نگرفته یا اینکه ما بدان دست پیدا نکرده‌ایم با این توصیف پژوهش حاضر دارای نوآوری بوده و با سایر پژوهش‌ها تمایز دارد؛ بدیهی است که این تحقیق از سایر پژوهش‌های پیشین در دو بعد اساسی ممتاز است. بعد اول اینکه تاکنون تحقیق مستقل پیرامون تبیین جایگاه مدیریت راهبردی اسلامی در ادبیات علمی اقتصاد مقاومتی مغفول مانده است. بعد دومی که می‌تواند از ابداعات اصلی این تحقیق تلقی شود اصطیاد تبیین مدیریت راهبردی حضرت یوسف علیه السلام در تحقق بخشی به الزامات اقتصاد مقاومتی برای مدیریت بحران است.

مفهوم اقتصاد مقاومتی

واژه مقاومت از ریشه "قوم" اخذ شده و با مفاهیمی همچون قوام، قیام، استقامت، مستقیم، مترادف است (الزبیدی، ۲۰۰۸: ۵۹۳). اقتصاد مقاومتی استراتژی اقتصادی دارای مؤلفه‌های درون‌زا و برون‌نگر است که مآلاً به پایداری اقتصاد منجر شده و موجب رشد و تعالی و اقتدار در کشور می‌شود. از این رو، نظام جمهوری اسلامی با کاربست این استراتژی در عرصه اقتصادی می‌تواند در مقابل تهدیدهای بیرونی نیز قدرت ایستادگی و پایداری داشته باشد (خلیلیان اشگذری، ۱۳۹۵: ۱۶۲). از منظر مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین‌کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد. (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶). پس



از معرفی اندیشه اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است که معظم له در سخنرانی‌های متعددی این اندیشه را از لوژ شائبات منع نمودند؛ که در ذیل به اختصار اشاره شده است:



منبع: توکلی و همکاران، اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی، ص ۲۵

بنابراین با توجه به نمودار فوق‌الذکر می‌توان گفت که با رد نظریات رقیب، می‌توان اقتصاد مقاومتی را به عنوان یک اندیشه اسلامی، ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری‌های اقتصاد و ترفندهای ایمن‌ساز در رویکرد اسلامی تعریف نمود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴). بدیهی است که اقتصاد مقاومتی در ابعاد مختلف می‌تواند در پرتو بهره‌گیری از رهیافت‌های قرآنی و تدوین الگوی دینی آن با اتخاذ سیاست‌های صحیح دولتمردان و سیاست‌یون در مرحله سیاست‌گذاری و اجرا محقق گردد. الگوی مدیریت راهبردی اسلامی در زندگی انبیای الهی همچون حضرت یوسف علیه السلام در مقابله با بحران‌های به وجود آمده، برای مقاوم‌سازی اقتصاد از جلوه خاصی برخوردار است که در این پژوهش تلاش می‌شود تا الگوی مورد نظر تبیین و سپس به بررسی مدیریت راهبردی یوسف نبی علیه السلام با تأکید بر اقتصاد مقاومتی گردد.

مفهوم مدیریت راهبردی در آموزه‌های اسلامی

مدیریت راهبردی، هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات و وظیفه‌ی چندگانه‌ای است که سازمان را قادر می‌سازد به اهداف بلندمدت خود دست یابد؛ با توجه به این تعریف، فرآیند مدیریت راهبردی دربرگیرنده سه مرحله تدوین استراتژی‌ها، اجرای آن‌ها و ارزیابی نتایج عملکردی است (دیوید، ۱۹۹۷).

ضرورت برنامه‌ریزی در آینه عقل و شرع مبرهن است؛ این ضرورت، به صورت ارشادی و امضائی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابن مسعود می‌فرماید: «زمانی که کاری و فعالیتی را انجام می‌دهی با آگاهی و تأمل انجام بده و در آن اندیشه کن و از اینکه کاری را بدون اندیشه و تدبیر انجام دهی پرهیز کن» (مجلسی، ۱۴۱۳ ق: ۷۷/ ۱۰۰). روح کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله از منبع وحی یعنی قرآن کریم سرچشمه می‌گیرد؛ چنانچه آن حضرت چنین استدلال می‌نماید که خداوند فرمود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَصَّصْتُ غَرْزَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا» (نحل، ۹۲) «همانند زنی نباشید که (بدون برنامه‌ریزی) پشم‌ها را بعد از رسیدن و نخ کردن به حالت اولیه خود درمی‌آورد و آن‌ها را از هم باز می‌کند» برخی بر این باورند که این آیه تفسیر آیه «وَلَا تَقْصُصُوا الْآيَاتِ الْبُرْهَانِ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» بعد از محکم کردن قسم‌ها آن‌ها را نقض نکنید (نحل، ۹۱). گو اینکه اگر کسی متعهد به کاری شد و پیمان بست نباید نقض عهد کن (طباطبایی، بی‌تا: ۱۲/ ذیل آیه). از آنجاکه مسئله وفای به عهد، یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌ها برای ثبات هر جامعه است در آیه بعد نیز با لحن توأم با نوعی سرزنش و ملامت، آن را تعقیب کرده می‌گوید: شما همانند آن زنی نباشید که پشم‌ها را تابیده اما پس از آن همه را وامی‌تابید (نحل، ۹۲)؛ آیه شریفه فوق، بر ضرورت داشتن هدف و برنامه قبل از انجام فعالیت و یاکاری اشاره دارد و در کنار کلام گهربار نبی اکرم صلی الله علیه و آله و استدلال آن حضرت بر این آیه، برداشت مفهومی ضرورت برنامه‌ریزی به صورت مطلق را قبل از عمل روشن و مبرهن می‌سازد و بدیهی است که اطلاق آیه و سیاق آن دربرگیرنده برنامه‌ریزی راهبردی است.

۱. تفکر راهبردی در فرهنگ اسلامی

به‌طورکلی نظام آفرینش ابر منظومه‌ای است که در آن تفکر راهبردی الهی حکم فرماست؛ این



نظام به نام نظام احسن در مفاهیم دینی مورد توجه قرار گرفته، چنانچه در کلام وحی به احسن الخالقین معنون گشته است (مؤمن، ۱۴) و انبیاء الهی به دنبال تفهم و تفهیم این نظام احسن و هدایت، رشد و اعتلای بشریت و خدمت معنوی و ارشادی بر اساس تفکر راهبردی در این نظام احسن بوده‌اند (خمینی، ۱۳۸۵: ۶/۱۸). چراکه در درون این نظام احسن خرده نظام‌هایی وجود دارد که بر پایه تفکر استراتژیک الهی است شاید بتوان گفت که تفکر راهبردی به مفهوم داشتن اهداف و مقاصد راهبردی در بازه زمانی بلند است چراکه مبدأ آن با توحید و باور به مبدأ اصلی یعنی خدا و مقصد آن باور به معاد و معاد گرایی است افزون بر باور به توحید و باور به معاد به عنوان عناصر نظام راهبردی احسن، نبوت به عنوان عنصر سوم محسوب می‌شود که مردم به عنوان دانشجویان معلمان بشریت (انبیاء) منظور شده و از این روست که ترکیه و تعلیم از جمله فعالیت‌های آنان است (بقره، ۱۲۹). در دایره این تفکر راهبردی الهی، پیامبر اسلام مدلی از مکتب الهی را به تصویر کشید که نظام تکوینی خلقت در آینه آن تفسیر گردید؛ این مدل را «اسلام» نامید؛ در مسیر تحقق این مدل راهبردی، ۲۳ سال زحمت کشید؛ اوصیاء ایشان نیز زحمات طاقت فرسایی کشیدند؛ در دالان راهبردی اسلامی، پیامبر اسلام حکومت نبوی را پایه‌گذاری کرد؛ خلفاء بعد از ایشان مسیر را ادامه دادند حضرت علی علیه السلام ابتدا با استراتژی سکوت معنادار (نهج البلاغه، خطبه ۳) و سپس با تشکیل حکومت علوی و مرجعیت دینی و معنوی مسیر را پاک‌سازی نمود؛ امام حسن علیه السلام استراتژی صلح را برای بسترسازی قیام عاشورا انتخاب کرد و امام حسین علیه السلام استراتژی جهاد و شهادت را برگزید و در ادامه این تفکر راهبردی توحیدی، امام سجاد علیه السلام استراتژی دعا و نیایش و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام تشکیل دانشگاه اسلامی و تبیین معارف علمی و دینی را به عنوان استراتژی به اجرا گذاشتند و ائمه بعدی نیز به صورت اقتضایی با توجه به شرایط محیطی حرکت راهبردی خود را تنظیم نمودند؛ این حرکت در زمان غیبت با وجود رهبران دینی در تفکر ولایت فقیه استمرار می‌یابد. یکی از ویژگی‌های نگرشی داشتن تفکر راهبردی در ترسیم هدف است امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در مورد داشتن نگرش و تفکر راهبردی می‌فرماید: بهترین همت‌ها، عالی‌ترین آن‌ها است (آمدی، ۱۳۳۷، ج ۴، ۴۹۷۷). گویا توصیه به داشتن همت عالی و بلند بدین معنا باشد که آدمی باید اندیشه‌ای بزرگ و تفکری راهبردی داشته باشد چه اینکه داشتن چنین نگرش عالی باعث افزایش انگیزه افراد برای به دست آوردن اهداف سترگ می‌شود. این نکته‌ای است

که می‌توان از گفتار حضرت علی علیه السلام استفاده کرد آنجا که می‌فرماید: تلاش و کوشش‌ها به اندازه همت‌ها خواهد بود (آمدی، ۱۳۳۷، ق، ح ۶۱۸۷)؛ یعنی هر قدر تفکر و اندیشه عالی‌تر باشد، انگیزه‌های افراد فزونی می‌یابد و تلاش و کوشش بیشتری برای دستیابی به اهداف می‌کند؛ چراکه دستیابی به اهداف با نگاه راهبردی و بلند، تلاش و کوشش بیشتری را طلب می‌کند. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: هر کس که همتش بزرگ باشد، تلاش و کوشش او بیشتر خواهد بود. (آمدی، ۱۳۳۷، ق، ح ۷۸۵۰) البته در تفکر راهبردی مآلاً می‌توان به اقدام راهبردی دست یافت.

۲. چشم‌انداز و بصیرت راهبردی دینی

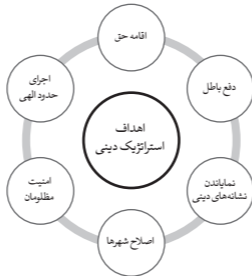
یکی دیگر از مفاهیم راهبردی در فرهنگ اسلامی، «چشم‌انداز و بصیرت راهبردی» است؛ خداوند متعال در دالان راهبردی توحیدی، چشم‌انداز خلقت عالم کبیر (دنیا، برزخ و آخرت) را تحقق و به فعلیت رسیدن کمال انسانی می‌داند که مآلاً به عبودیت ختم می‌شود؛ چنانچه «عالم کبیر» را تحفه‌ای برای انسان کامل به تصویر می‌کشد؛ قرآن در این زمینه با عبارات متعدد مانند «خَلَقَ لَكُمْ» یا «سَخَّرَ لَكُمْ» خلقت مظاهر عالم همچون آسمان و زمین، شب و روز، خورشید و ماه و دیگر پدیده‌های جهانی را هدایایی برای انسان شمرده و در واقع فلسفه وجودی این پدیده‌ها را برای بشر آرزویی می‌کند (جاثیه، ۱۳؛ ابراهیم، ۳۲ و ۳۳؛ حج، ۳۶؛ زخرف، ۱۳). چنانچه مشاهده می‌شود قرآن با این تعابیر نشان می‌دهد که کل عالم هستی برای انسان خلق شده است؛ مع‌الوصف در تفکر توحیدی، چشم‌انداز خلقت بشری را «عبودیت» می‌خواند (ذاریات، ۵۶)؛ از این رو، عبودیت الهی به عنوان چشم‌اندازی است که در دالان تفکر توحیدی معنا دار است و ترسیم حرکت و مقصد راهبردی توسط رهبران الهی برای دستیابی به این چشم‌انداز است؛ چنانچه علی علیه السلام می‌فرماید: تلاش‌ت را برای آخرت قرار بده (آمدی، ۱۳۳۷) در تعبیر آخرت چشم‌انداز عبودیت قرار دارد. لذا مفاهیمی همچون «به فعلیت رسیدن کمال انسانی»، «آخرت» و «عبودیت» در دالان استراتژیک به منظور نیل به قرب الهی معنا دار است.

۳. مقاصد و اقدامات راهبردی اسلامی

منظور از مقاصد راهبردی، اهداف کلیدی و مهمی است که مدیران در دالان راهبردی خود



جهت تحقق بخشی به چشم انداز، بر محور آن‌ها حرکت خود را تنظیم می‌کنند؛ این چشم انداز می‌تواند جامعه‌ای آرمانی با محوریت به فعلیت رسیدن کمال انسانی و آخرت‌گرا و دارا بودن عبودیت برای خداوند باشد که با مقاصد راهبردی در صحنه میدانی نیاز به اجرای عدالت دارد از گزاره‌های دینی استفاده می‌شود که تنها بسنده کردن بر اهداف مادی و غفلت از مقاصد الهی با روح تعالی بشری سازگار نیست؛ لذا امیر مؤمنان علیه السلام در رویکردی الهی هدف از مدیریت را اقامه عدالت و جلوگیری از فساد به تصویر می‌کشد؛ این موضوع در قضیه زیر نشان داده شده است آن حضرت زمانی که در «ذی قار» مشغول وصله کردن کفش خود بود، از یکی از فرماندهان یعنی «ابن عباس» ارزش ریالی کفش را جویا می‌شود، ابن عباس در جواب حضرت عرضه می‌دارد که این کفش ارزش چندانی ندارد، سپس آن حضرت خطاب به ابن عباس کرده و می‌فرماید: حکومت و مدیریت بر شما از این کفش کم ارزش تر است مگر اینکه در بردارنده اقامه حق، دفع باطل، نمایاندن و برگرداندن نشانه‌های دینی، اصلاح شهرها، ایمنی و امنیت مردم مظلوم و اجرای حدود الهی باشد (نهج البلاغه، ۲۸، ۵۳)؛ بدین سان، اهداف الهی راهبردی زیر در گفتار حضرت مورد تأکید قرار می‌گیرد. نمودار زیر اهداف راهبردی دینی در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را به نمایش گذاشته است:



اهداف راهبردی دینی در گفتار رفتاری امیرالمؤمنین علی علیه السلام

یکی دیگر از مفاهیم مهم، اقدامات راهبردی است و اساساً حرکت های مهم رهبران بشریت را در مسیر تعالی انسانی و انجام تکالیف دینی اثرگذار آنان را در انجام اوامر الهی اقدامات راهبردی می خوانیم از این رو، در تاریخ حرکت دینی می توان اقدامات راهبردی زیادی را در فعالیت های رهبران و مدیران الهی مشاهده کرد که به عنوان نمونه می توان به اقدام حضرت ابراهیم علیه السلام برای شکستن بت ها (انبیاء، ۵۸)، اقدام حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام برای بناء و تعمیر خانه خدا (بقره، ۱۲۵)، اقدام حضرت نوح علیه السلام برای ساختن کشتی (هود، ۳۶)، اقدام حضرت موسی علیه السلام برای هدایت و ابلاغ پیام به فرعونیان (قصص، ۳-۴۲)، اقدامات حضرت یوسف برای نجات کشور مصر از بحران (یوسف، ۴۷)، اقدام حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای ابلاغ جانشینی حضرت علی علیه السلام (مائده، ۶۷) اشاره نمود که در این تحقیق تنها اقدامات راهبردی حضرت یوسف علیه السلام مورد بررسی قرار می گردد.

مدیریت راهبردی یوسف نبی علیه السلام بستر مقاوم سازی اقتصاد

نام «یوسف» ۲۷ بار در قرآن ذکر شده است؛ جریان یوسف در قرآن کریم به «احسن القصص» تعبیر گردیده است؛ چراکه در جزء جزء این قصه، معیارهای حق و مشیت الهی وجود دارد؛ در قصه یوسف علیه السلام، حوادث این دنیا با عالم غیب مرتبط نشان داده شده است (یوسف، ۴). آن حضرت ویژگی های خاصی داشته؛ از این رو، حاکمیت که حق خداست به یوسف داده شده است (یوسف، ۲۲) به همین خاطر، یوسف را برگزیده است (یوسف، ۶) چراکه بر اساس نظر برخی از اندیشمندان اسلامی، حضرت یوسف علیه السلام به حقایق و ریشه های پدیده های عالم شناخت داشت (طباطبایی، بی تا: ۱۱/۸۶)؛ اگرچه، آن حضرت در مسیر حاکمیت دینی نامالیماتی می بیند (یوسف، ۱۹) با این حال، برنامه ریزی و تدبیر در فعالیت ها و رفتار آن حضرت بسیار دیده می شود (یوسف، ۵۹، ۷۶) با عنایت به مفروضات پیش گفته پرسش کلیدی در اینجا این است که الگوی راهبردی حضرت یوسف در مقابله با بحران برای مقاوم سازی اقتصاد مشتمل بر چه عناصری است؟ به نظر می رسد الگوی راهبردی حضرت یوسف علیه السلام که در گزارش قرآن بر آن مهر تأیید خورده، (یوسف، ۴۵-۴۹، ۵۶) می تواند دربرگیرنده عناصری همچون «چشم انداز توحیدی»، «استراتژی، اصول راهبردی توحیدی» و «اقدام و اجرای راهبردی توحیدی» باشد.



۱. چشم‌انداز و استراتژی‌های حضرت یوسف ﷺ

حضرت یوسف ﷺ همانند نیاکان توحیدی خود دارای چشم‌انداز توحیدی بود و مساعی خود را در مسیر دعوت به توحید و مبارزه با شرک مصروف نمود؛ گزارش قرآن نشان می‌دهد که حضرت با مردود شمردن چشم‌انداز مشرکان (عدم باور به خدا و آخرت) (یوسف، ۳۷)، چشم‌انداز خود را بر پایه چشم‌انداز نیاکان خود یعنی حضرت ابراهیم ﷺ، حضرت اسحاق و حضرت یعقوب ﷺ مبتنی می‌سازد (یوسف، ۳۸). آن حضرت چشم‌انداز توحیدی را از جمله فضل و عنایت الهی بر خود، پدران و همه مردم توصیف می‌کند و شکر این نعمت‌ها را خواستار می‌گردد (همان) از این رو دعوت به توحید و مبارزه با شرک به عنوان چشم‌انداز آن حضرت تلقی می‌گردد؛ آن حضرت در مسیر تحقق چشم‌انداز توحیدی، استراتژی‌هایی را اتخاذ کرده و تدوین نموده است؛ در گزارش قرآن، استراتژی حضرت به منظور تحقق چشم‌انداز توحیدی با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف قابل فهم است؛ همچنان که آن حضرت به شیوه انطباقی و تحلیل شرایط درونی و محیطی حاکم به رفقای زندانی خود با استراتژی «استدلال و منطق» توحید و یگانگی را عرضه می‌دارد (یوسف، ۳۸) سپس با استدلال خط‌مشی آنان را مردود اعلان کرده و توحید و یگانگی را به عنوان تنها آیین محکم بیان می‌دارد (یوسف، ۴۰) بنابراین، حضرت در مسیر تحقق چشم‌انداز توحیدی، استراتژی خود را بر پایه استدلال و منطق بنانهاد و مردم زمانه خود را به توحید دعوت می‌نماید و بالطبع هدف اصلی حضرت نجات مردم در امور دنیوی (مادی) و اخروی (معنوی) است. آن حضرت به منظور نجات مردم از شرک و بت‌پرستی از یک سو و از سوی دیگر نجات آنان از تهدیدهای مادی مانند خشک‌سالی و فقر، دست به تدوین برنامه راهبردی زد چشم‌انداز و استراتژی‌های حضرت یوسف ﷺ در نمودار زیر نشان داده شده است:



۲. اصول راهبردی حضرت یوسف علیه السلام

با بررسی زندگی حضرت یوسف علیه السلام و قضایای مرتبط با وی می توان به اصول مهم در الگوی راهبردی وی دست یافت که ذیلاً به مواردی اشاره می شود:

الف) خدامحوری و شکرگزاری از خدا: شاید بتوان ادعا کرد که اساسی ترین اصل در الگوی راهبردی حضرت یوسف علیه السلام که متخذ از مبانی دینی بوده، خدامحوری و اتکا به خدا در مراحل مختلف زندگی است؛ گفتار این رهبر الهی سرشار از توحید و عبودیت خداست؛ و این موضوع را آیین محکم می خواند (یوسف، ۴۰). در جای دیگر آیین پدران خود یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب که آیین توحیدی است، آیین خود می خواند و بر این امر تأکید می کند که شرک بر خدا سزاوار و شایسته خاندان ما نیست (یوسف، ۳۸). آن حضرت این خدامحوری و توحید گرایی را عنایت حضرت حق به خود و همه مردم شمرده و ضمن اینکه خود از خداوند به خاطر این نعمت بزرگ سپاسگزاری می کند، مردم را بدان دعوت می نماید (یوسف، ۳۸). آن حضرت به مصادیق فضل الهی تصریح کرده و همه نعمت ها را از جانب خدا می داند (یوسف، ۱۰۱).

ب) عفت و پاک دامنی: داستان عفت و پاک دامنی یوسف علیه السلام و امتناع وی از پذیرش درخواست خیانت آمیز زلیخا نشانگر التزام حضرت به اصل مهم عفت و پاک دامنی است؛ چه اینکه، خیانت به خانواده از سوی زلیخا با پاک دامنی مغایرت داشته و امتناع حضرت از آلودگی دربرگیرنده شایستگی اخلاقی و فضیلت انسانی است؛ این قضیه نشان می دهد که حضرت رضای الهی را ترجیح داده و همین مسئله باعث خشم هوس بازان و قدرتمندان گردیده و برای حضرت مجازات زیادی از جمله زندان را به دنبال داشت مع الوصف زندان برای ایشان محبوب تر از گناه و آلودگی بود (یوسف، ۳۳)؛ پاک دامنی و عفت از ناحیه یوسف به قدری زیاد است که منجر به پاره شدن پیراهن حضرت شده و در نهایت زلیخا در حضور زنان درباری به عصمت و پاک دامنی یوسف اعتراف می کند (یوسف، ۳۲). همچنان که زلیخا و زنان دربار نیز در حضور پادشاه مصر به بی گناهی یوسف اعتراف کرده و به عفت وی اذعان نمودند (یوسف، ۵۰-۵۱).

ج) بهره‌برداری از فرصت‌ها: از جمله اصول مهم حضرت یوسف علیه السلام استفاده از فرصت‌ها برای تحقق چشم‌انداز توحیدی است چنانچه آن حضرت قبل از زندان و حتی در درون زندان برای این امر مهم استفاده می‌کند؛ در گزارش قرآن دیده می‌شود که وقتی دو رفیق زندانی خواب می‌بینند و حضرت آن را تعبیر می‌کند. یوسف به ارشاد توحیدی پرداخته و آنان را دعوت به خدا می‌کند (یوسف، ۳۹). بهره‌برداری از فرصت‌ها در برنامه راهبردی یوسف مشاهده می‌شود (یوسف، ۴۷). در نمودار زیر اصول راهبردی حضرت یوسف به نمایش درآمده است.



۳. برنامه‌ریزی راهبردی حضرت یوسف علیه السلام

یکی از مدل‌های مهم در آموزه‌های اسلامی، الگوی پیشنهادی حضرت یوسف علیه السلام برای برنامه‌ریزی راهبردی کشور مصر است؛ وی با مطالعه دقیق و شناخت از وضعیت موجود و پتانسیل‌های آن کشور، برنامه راهبردی ۱۵ ساله را تدوین و پیشنهاد نمود که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۳-۱. عجز دولتمردان مصر و قدرت یوسف علیه السلام

کشور مصر در عصر حضرت یوسف علیه السلام تمدنی بزرگ و پیشرفته داشت و از مواهب مادی خوبی برخوردار بود؛ شاه مصر که در آن زمان سرمست از شوکت و جلال پادشاهی براریکه قدرت سوار بود، در شبی از شب‌ها خوابی آشفته می‌بیند؛ زمانی که بیدار می‌شود دولتمردان خود را جمع کرده و با آنان گفتگو و رایزنی می‌کند (یوسف، ۴۳). اطرافیان سلطان اظهار داشتند که این‌ها خواب‌های پریشان است و ما به تعبیر خواب‌های پریشان آشنا نیستیم». در این هنگام، ساقی سلطان که مهر و موم‌ها قبل، از زندان آزاد شده بود، به یاد خاطره زندان و تعبیر خواب توسط حضرت

یوسف علیه السلام افتاد که بسیار دقیق و صحیح تعبیر شده بود؛ ساقی با اجازه پادشاه، نزد حضرت یوسف علیه السلام در زندان رفت و ماجرای خواب پادشاه را برای آن حضرت شرح داد (یوسف، ۴۳-۴۶).

۲-۳. طراحی برنامه راهبردی توسط حضرت یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام بعد از شنیدن خواب شاه مصر، برنامه‌ای ۱۵ ساله برای کشور مصر طراحی و پیشنهاد کرد؛ یادآوری این نکته مهم است که آن حضرت نسبت به وضعیت کشور مصر شناخت کامل داشت؛ چراکه ایشان از کودکی تا عنفوان جوانی در کشور مصر و در بین درباریان زندگی کرده و از این اختیار برخوردار بود که به همه جا سرکشی نماید، از این رو، وی به فرهنگ و آداب و رسوم کشور مصر شناخت کامل داشته و عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) را به خوبی می‌دانست و با تحلیل آنها و با توجه به خواب شاه به طراحی برنامه راهبردی برای آن سرزمین پرداخت؛ چه اینکه آن حضرت با شنیدن خواب شاه متوجه تهدید بزرگ برای مردم زمانه خویش گردید لذا به هدف‌گذاری پرداخته و با تحلیل SWOT برنامه‌ای راهبردی طراحی کرد؛ قرآن از زبان حضرت یوسف علیه السلام برنامه راهبردی ایشان را چنین گزارش می‌دهد: «یوسف در تعبیر خواب گفت باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هر خرمن را که درو کنید جز کمی که قوت خود می‌سازید، همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید» (یوسف، ۴۷). تحلیل حضرت این است که هفت سال اول، هفت سال پرباران و در نتیجه فرصت‌هایی است که می‌توان در جهت دستیابی به هدف از آنها استفاده کرد؛ بدیهی است که با توجه به پتانسیل و ظرفیت کشور مصر و شناخت حضرت از توانایی‌ها و ظرفیت سرزمینی و اقلیمی کشور همچون وجود زمین‌های حاصلخیز و وجود دریای نیل و نیروی انسانی در آن سرزمین و دیگر امکانات مادی و معنوی و نیز تحلیل عوامل خارجی همچون هفت سال پرباران و تهدید هفت ساله خشک‌سالی دستور می‌دهد که به صورت مداوم به کاشتن گندم روی آورند خداوند در ادامه از زبان حضرت یوسف علیه السلام این برنامه را به تصویر می‌کشد (یوسف، ۴۸)؛ از تحلیل حضرت استفاده می‌شود که هفت سال دوم هفت سال خشک‌سالی و به تعبیری تهدیدهاست که لازم است برای آن تدبیری اندیشید و آن حضرت با بررسی و پیش‌بینی آن، تدابیر پیشگیرانه

۱. هفت گاو فره را هفت گاو لاغر خوردند و هفت خوشه سبز را هفت خوشه خشک نابود کردند (یوسف، ۴۶).



برای مواجهه با آن پیشنهاد داد همچنان که مشاهده می‌شود هفت سال اول پرباران یا سال‌های فرصت در کنار هفت سال خشک‌سالی یا تهدید قرار گرفته و جمعاً ۱۴ سال را در برمی‌گیرد و در سال پانزدهم بر اساس تحلیل آن حضرت، بحران بی‌آبی و خشک‌سالی تمام می‌شود (یوسف، ۴۹). از این رو با احتساب هفت سال اول پرباران و هفت سال دوم خشک‌سالی و نیز سال آخر پرباران که در گزارش قرآن آمده است برنامه راهبردی حضرت ۱۵ ساله بوده است (۷ + ۷ + ۱ = ۱۵) پادشاه وقتی از نبوغ و قدرت علمی حضرت آگاه شد، وی را فراخواند؛ مع الوصف آن حضرت نپذیرفت؛ مگر اینکه شاه از زنان بوالهوس مصر بخواهد که در جریان تهمت به حضرت چه کسی مقصر بوده است؟ و پس از روشن شدن حقیقت با گفتار زنان به ویژه زلیخا (یوسف، ۵۱)، که اظهار کرد الآن حقیقت آشکار شد (ومن به گناه خود اعتراف می‌کنم) من به خواهش نفس خود با یوسف عزم مرادوه داشتم و او (که دعوی عفت و پاک‌دامنی می‌کند) البته راست‌گوست؛ هنگامی که آن حضرت با تعبیر رؤیای پادشاه مصر به دربار راه یافت، پادشاه به او پیشنهاد منصب داد و او را «مکین» و «امین» خواند (یوسف، ۵۴)؛ در این زمان حضرت یوسف علیه السلام خود پیشنهاد داد که وزیر خزانه‌داری شود؛ چه اینکه، «حفیظ» و «علیم» است (یوسف، ۵۵). صفت «مکین» که برای آن حضرت بکار رفته، دلالت بر این دارد که ایشان در حوزه ثنوری و اجرا دارای منزلت و مقام است؛ برخی از مفسرین بر این باورند که منظور پادشاه مصر از این منزلت، همانا دارا بودن سلطه‌ای همچون سلطه خود او بوده است (طبرسی، بی‌تا: ۳۱۲/۵). این نوع از برداشت با تعبیر قرآن همخوانی دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «يَسْتَبْرَأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ» (یوسف، ۵۶)؛ «یوسف هرگونه که می‌خواست در آن قلمرو تصرف می‌نمود».

مراحل برنامه راهبردی حضرت یوسف علیه السلام برای مقاومت‌سازی اقتصاد

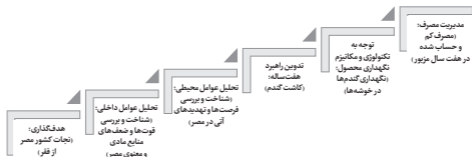
از گزارش قرآن و تحلیل آیات الهی مورد نظر، استفاده می‌شود که برنامه راهبردی حضرت یوسف علیه السلام می‌تواند مراحل مختلفی داشته باشد که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

الف) مرحله کاشتن هفت سال متوالی و ذخیره‌سازی آن

قرآن در خصوص فاز اول برنامه راهبردی پیشنهادی از زبان حضرت یوسف علیه السلام، چنین گزارش

می‌دهد:

«تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» هفت سال پی در پی می‌کارید و آنچه را که درو کردید، جز اندکی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید (یوسف، ۴۷)، واژه «دأب» به معنای استمرار و متوالی است و «تزرعون» هر چند به صورت خبر است لکن در معنا، امر و انشاء است؛ این بدان معناست که می‌خواهند در وجوب امتثال آن تأکید نمایند؛ با توجه به این برداشت، معنای آیه چنین است هفت سال پی در پی کشت و زرع کنید (طباطبایی، بی تا: ۱/۱) ذیل آیه؛ همچنان که مشاهده می‌شود حضرت با توجه به هدف راهبردی (نجات کشور مصر از خشک‌سالی و فقر) و منابع زمینی حاصلخیز، آب، تجهیزات و امکانات و نیروی انسانی موجود در مصر و فرصت هفت‌ساله بارانی در کشور و نیز تهدیدات بعدی، فاز اول را در کاشتن هفت سال پی در پی گندم و ذخیره‌سازی آن می‌داند؛ لازم به ذکر است که آن حضرت حتی به مکانیسم نگهداری گندم‌ها در هفت سال تصریح می‌نماید، چنانچه پیشنهاد می‌دهد که گندم‌ها را در خوشه خود نگهداری کنند تا آفت نزند «فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ»؛ آنچه را که درو کردید، جز اندکی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید.. از گزارش قرآن این نکته نیز فهمیده می‌شود که حضرت دستور می‌دهد در این هفت سال پرباران، برنامه اقتصادی مقاومتی داشته باشید؛ چنانچه این نکته را می‌توان از واژه «قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» استفاده کرد؛ بنابراین در مصرف نیز لازم است که دقت گردد و به حداقل‌ها اکتفا گردد و اندوخته بیشتری ذخیره شود؛ نمودار زیر گام‌های مرتبط با مرحله اول برنامه راهبردی حضرت یوسف عليه السلام را نشان می‌دهد:



ب) مرحله تدوین برنامه اقتصاد مقاومتی و بهره‌برداری

حضرت یوسف عليه السلام در فاز دوم که فاز بهره‌برداری است؛ به هفت سال خشک‌سالی و تهدیدات آن تصریح کرده و برای این دوره گذار، برنامه اقتصادی مقاومتی پیشنهاد می‌دهد؛



خداوند از زبان آن حضرت می‌فرماید: «تَمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعَ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ هُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْضُونَ» (یوسف، ۴۸). پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که [مردم آنچه را برای آن مهروموم‌ها ذخیره کرده‌اید می‌خورند، جز اندکی که] برای بذر [نگه می‌دارید. برخی از دانشمندان اسلامی بر این باورند که در این آیه، گفتار مشتمل بر یک تمثیل لطیفی است؛ زیرا سال‌های قحطی چون درنده‌ای خون‌آشام است که به مردم حمله می‌کند؛ اگر مردم ذخیره‌ای داشته باشند، این درنده متوجه آن ذخیره‌ها شده و از خود مردم منصرف می‌شود؛ کلمه «احصان» در اینجا به معنای احراز و ذخیره کردن است و معنای آیه این است که پس از هفت سال فراوانی، هفت سال قحطی پدید می‌آید که بر شما حمله می‌کند و آنچه شما از پیش اندوخته کرده‌اید می‌خورند مگر اندکی که انبار کرده و ذخیره نموده‌اید (طباطبایی، بی‌تا: ۱۱/ ذیل آیه).

همچنان که از آیات شریفه استفاده می‌شود حضرت با ارائه برنامه اقتصادی، به مدیران گوشزد می‌کند که مدیریت برنامه را به دست گرفته و با برنامه‌ریزی عملیاتی، مقدار مصرفی مورد نیاز را در اختیار مردم قرار داده و مقداری از بذرها را برای سال آتی نگه‌دارند؛ چنانچه با عبارت «يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ هُنَّ...» این مفهوم اصطیاد می‌گردد؛ این فراز از آیه نشان می‌دهد که مدیران جامعه لازم است که در زمان بحران اقتصادی دست به برنامه‌ریزی اقتصادی جهت مهار بحران و مدیریت آن نموده و به تعبیری اقتصاد مقاومتی را به منصه ظهور گذارند چه اینکه واژه «يَأْكُلْنَ» به مصرف مردم اشاره داشته درحالی‌که ضمیر در «قَدَّمْتُمْ» ضمیر جمع و به مدیران، دولتمردان و برنامه‌ریزان اقتصادی اشاره دارد؛ از این رو، تدوین و مدیریت اقتصاد مقاومتی توسط برنامه‌ریزان و دولتمردان جامعه صورت گرفته و مصرف به اندازه توسط مردم صورت می‌گیرد؛ در یک نتیجه‌گیری کلی، با تحلیل آیات الهی می‌توان مرحله دوم را در گام‌های مختلف خلاصه نمود؛ نمودار زیر گام‌های مرتبط با مرحله دوم برنامه راهبردی حضرت یوسف عليه السلام را نشان می‌دهد:



ج) مرحله خروج از برنامه اقتصادی مقاومتی

پس از دوره گذار از وضعیت اقتصادی بحرانی و قرمز، دوره اقتصادی عادی و سبز شروع می‌شود و دیگر نیازی به اجرای برنامه اقتصادی مقاومتی وجود ندارد؛ چنانکه خداوند از زبان حضرت می‌فرماید: «ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يُعْصِرُونَ» پس از آن، سالی فرامی‌رسد که به مردم در آن [سال] باران می‌رسد و در آن، آب میوه می‌گیرند» (یوسف، ۴۹).

در فراز «فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ» اگر «يُغَاثُ» از «غوث» باشد، معنایش این می‌شود که مردم در آن چند سال از ناحیه خدا یاری می‌شوند و از گرفتاری و مشقت رها می‌شوند و نعمت و برکت برایشان نازل می‌شود و اگر این واژه از ماده «غیث» باشد معنایش این می‌شود که در آن سال باران می‌آید و قحطی از بین آنان برطرف می‌گردد (طباطبایی، بی‌تا: ۱۱ / ذیل آیه) نمودار زیر مراحل سه‌گانه برنامه راهبردی حضرت یوسف علیه السلام را به تصویر کشیده است:



اقدامات راهبردی حضرت یوسف علیه السلام

اصولاً حضرت یوسف علیه السلام به دلیل اینکه از کودکی و نوجوانی وارد کشور مصر شده بود و اختیار کامل داشت که به همه مناطق به‌عنوان فرزند دربار و عزیز مصر آزادانه سرزنند، در مدت اقامت وی در قصر و سرکشی به مناطق مختلف به نقاط قوت و ضعف و پتانسیل و ظرفیت موجود در کشور مصر واقف گشته و با فرهنگ مصریان آشنا گردید؛ لذا با تحلیل عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و تحلیل عوامل محیطی (فرصت‌ها و تهدیدها) به تدوین برنامه با توجه به هدف راهبردی یعنی نجات کشور مصر از خشک‌سالی پرداخت و برای انجام عملی آن به‌وسیله نیروهای موجود اقدام راهبردی خود را به منصف ظهور گذاشت؛ بنابراین، پس از آنکه حضرت



یوسف علیه السلام قدرت یافت، کادر مدیریتی و اجرایی خود را تشکیل داده و از منابع (مادی و معنوی) برای دستیابی به هدف استفاده کرد؛ در هفت سال اول عمدتاً از نیروهای مردمی بهره برد؛ وقتی هفت سال دوم پیش آمد، وی با تدوین برنامه اجرایی ۷ ساله، به اجرای آن‌ها پرداخت؛ این برنامه، گروه‌های مردمی را در دوطبقه مستضعف و متمول قرار می‌داد، گروه‌های مردمی همراه و همکار به صورت برنامه‌ریزی شده در هفت سال دوم از ذخایر استفاده کردند؛ برای گروه‌های مردمی متمول، برنامه به شیوه‌ای خاص عملیاتی گردید که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

۱. در سال اول قحطی، در قبال پول نقد، بخشی از آذوقه‌ها را به ثروتمندان و مردم فروخت؛
۲. در سال دوم قحطی، آذوقه‌ها را با طلا و جواهر سرمایه‌داران معاوضه کرد؛
۳. در سال سوم، در قبال حیوانات اهلی به مردم آذوقه داد؛
۴. در سال چهارم، در قبال غلامان و کنیزها به مردم متمول آذوقه داد؛
۵. در سال پنجم، در قبال املاک و خانه‌ها آذوقه داد؛
۶. در سال ششم، در قبال مزارع، باغ‌ها و سهم آب کشاورزان بزرگ و سرمایه‌داران به آن‌ها آذوقه داد؛
۷. در سال هفتم، در قبال تعهد کارها و خدمات افراد و منابع انسانی به آن‌ها آذوقه داد (طبرسی،

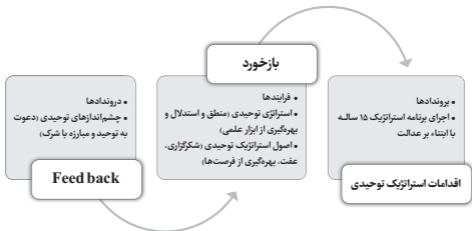
۱۴۰۸ق: ۵/ ۳۷۲-۳۷۳)؛

چنانچه از برنامه‌های عملیاتی اجرای استراتژی اقتصادی عدالت محور آن حضرت برداشت می‌شود، ایشان در هفت سال خشک‌سالی با تدوین و اجرای برنامه‌های سالانه به منظور کم کردن فاصله طبقاتی و اجرای عدالت اجتماعی تمامی ذخایر ارزی را از دست سرمایه‌داران بیرون کشیده و در خزانه عمومی ذخیره نمود؛ این کار ضمن کم کردن فاصله طبقاتی، ابزار قدرت را از دست متمولان و سرمایه‌داران گرفت تا نتوانند به فساد اقتصادی و استثمار پردازند (حشر: ۷).

رویکرد منظومه‌ای به الگوی راهبردی حضرت یوسف علیه السلام

پرسش مهم در این بخش این است که الگوی راهبردی حضرت در مواجهه با بحران اقتصادی و اتخاذ مکانیسم مقاوم‌سازی اقتصاد در چارچوب رویکرد منظومه‌ای چگونه به تصویر کشیده می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال ممکن است گفته شود که الگوی راهبردی حضرت یوسف علیه السلام

را می‌توان با رویکردی منظومه‌ای دربرگیرنده عناصر مهمی دانست؛ این چارچوب مشتمل بر عناصر دروندادی همچون «چشم‌انداز توحیدی» شامل دعوت به توحید، مبارزه با شرک و عناصر فرایندی همچون «استراتژی‌ها» شامل منطق، استدلال، بهره‌گیری از ابزار علمی (تعبیر خواب) و «اصول راهبردی» شامل شکرگزاری، عفت، بهره‌گیری از فرصت‌ها و عناصر پروندادی همچون «اقدامات راهبردی» شامل اجرای برنامه راهبردی ۱۵ ساله باهدف نجات کشور مصر و ابتناء بر عدالت محوری است، در نمودار زیر مدل منظومه‌ای الگوی راهبردی حضرت یوسف علیه السلام به نمایش درآمده است:



رہیافت‌ها، نتایج و پیشنہادها

رہیافت‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از بررسی الگوی راهبردی حضرت یوسف علیه السلام در مواجهه با بحران و مقاوم‌سازی اقتصاد حاکی از آن است که چشم‌انداز حضرت یوسف علیه السلام، چشم‌اندازی توحیدی و احتراز از شرک و بت‌پرستی بوده است و آن حضرت به‌طور پیوسته چشم‌انداز مشرکان را مردود و خود را پیرو نیاکان توحیدی خویش دانسته است. این الگو بر پایه استدلال و منطق به‌منظور دعوت به توحید و بهره‌برداری از ابزار علمی در مسیر دلان راهبردی مبارزه با بت‌پرستی مبتنی بود. آن حضرت برای نجات مردم زمانه خود برنامه‌ای راهبردی (۱۵ ساله) طراحی کرده و به اجرا گذاشت. اجرای استراتژی و برنامه راهبردی توسط آن حضرت به ذخیره‌سازی منابع ارزی و نیز کم شدن فاصله طبقاتی منجر شد و مردم با دیدن تدبیر وی، شیفته او شده و سخنان ایشان



را می‌پذیرفتند؛ بنابراین گرایش به توحید در میان مردم آن عصر افزایش یافته و بت‌پرستی و شرک به حاشیه رانده شد. مدیریت راهبردی یوسف نبی ﷺ درس‌هایی را به مسئولین امر در کشور جمهوری اسلامی ایران القا می‌کند که در ادامه به‌عنوان پیشنهادها بدان اشاره می‌شود:

۱. از تدوین برنامه توسط حضرت یوسف ﷺ استفاده می‌شود که مسئولین عالی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم است که مدیریت تولید را محور قرار داده و بر آن تأکید کرده و در این پروسه محصولات راهبردی مقابله با تهدیدها و تحریم‌ها را مشخص نمایند.

۲. هرگونه تصمیم مسئولین کشور منطبق بر اصول توحیدی باشد و مبارزه با شرک، کفر و بت‌پرستی در دستور اول مسئولین قرار بگیرد.

۳. مسئولین کشور باید ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی را سرلوحه همه تصمیمات و برنامه‌های راهبردی خویش قرار دهند.

۴. بایسته است که تمامی تصمیمات و استراتژی‌های اتخاذی مسئولین بر پایه منطق علمی و عقلی استوار باشد.

۵. برنامه‌های راهبردی برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید کاملاً مطابق با زمان‌بندی از پیش تعیین‌شده اجرایی شود و مسئولین برای اجرای رصین این برنامه‌ها برای کشور برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت تدوین نمایند.

۶. مسئولین باید از هرگونه شائبه فساد اخلاقی - اقتصادی - اداری و غیره مبرا باشند و اگر برای مسئولین سیاست‌گذار اتهامی وجود دارد در گام نخست، با تدبیر و درایت وجود خویش را از لوٹ اتهامات مبرا نمایند.

۷. برای تحقق ملزومات اقتصاد مقاومتی کسانی انتخاب شوند که علاوه بر قدرت علمی - اجرایی امانت‌دار و دلسوز مردم باشند. (تعهد - تخصص)

۸. مسئولین رده اول کشور اختیارات کافی برای اجرایی کردن برنامه‌های راهبردی را در اختیار مجریان متعهد و متخصص قرار دهند.

۹. تمامی برنامه‌ها کاهش فاصله طبقاتی و تحقق عدالت اجتماعی را در جامعه پیگیری نماید؛ زیرا تحقق عدالت در جامعه موجبات رشد معنوی و سلوک توحید را در جامعه تقویت کرده و موجبات بالندگی انسانی و الهی را در اجتماع به وجود می‌آورد.

منابع

■ قرآن

■ نهج البلاغه

۱. اسدی، علی (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره ۵، صفحه ۲۵-۳۹.
۲. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۳۷ق) غررالحکم و دررالمکم، تهران، محمدعلی انصاری قمی.
۳. بنی اسد، رضا، (۱۳۹۰) مدیریت استراتژیک با تأکید بر جهاد اقتصادی؛ تهران؛ دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ دانشگاه عالی دفاع ملی.
۴. تاری، فتح اله و زهرا کاویانی (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن»، فصلنامه سیاست کلان، سال ۲، ش ۲.
۵. تراب زاده جهرمی، محمدصادق و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۰، ش ۳۲.
۶. توکلی، محمدجواد و امید ایرانلو (۱۳۹۵)، «اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی، دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی»، س ۱، ش ۱.
۷. پیغامی، عادل (۱۳۹۴)، درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی، موسسه فرهنگی سدید، تهران، انتشارات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸. پیغامی، عادل؛ مصطفی سمیعی نسب و یاسر سلیمانی (۱۳۹۴)، جستارهایی در اقتصاد مقاومتی (مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف؛ مبادی علمی و نظری)، تهران؛ دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۹. سیف‌لو، سجاد (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی»، سیاست دفاعی، ش ۸۷...
۱۰. ----- (۱۳۹۳)، «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، معرفت اقتصاد اسلامی، سال ۵، شماره ۱۰.
۱۱. حسن بیگی، ابراهیم؛ (۱۳۹۰) مدیریت راهبردی، تهران، سمت.
۱۲. خلیلیان اشگذری، محمد جمال (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی؛ تضمین‌کننده امنیت اقتصادی کشور، دو فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، سال اول، شماره اول.
۱۳. خمینی، روح‌الله؛ (۱۳۸۵) صحیفه‌امام (مجموعه ۲۲ جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۴. عبدالملکی، حجت‌اله (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی، تهران؛ انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۵. دیباجی، محمدعلی (۱۳۸۷)، پیامبران دولت‌مرد، پژوهشی درباره مدل‌های حکومت دینی در قرآن، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۶. سالاری، حسین (۱۳۹۵)، مدیریت استراتژیک در اسلام، تدوین استراتژی حکومت علوی از منظر نهج البلاغه، قم، بنیاد نهج البلاغه.
۱۷. طبرسی، ابوعلی (بی تا)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.



۱۸. طباطبائی، محمدحسین (بی تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه المدرسین، قم، المشرقه، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۹. فشاری، مجید و جواد یور غفار (۱۳۹۳)، «بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»، *مجله اقتصادی*، سال ۱۴، شماره ۵ و ۶.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۳ ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دارالاضواء.
۲۱. محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۱)، *اصول مدیریت بحران در قرآن کریم*، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق ﷺ.
۲۲. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴)، *اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام*؛ تهران: انتشارات راه دان.
۲۳. میر معزی، حسین (۱۳۸۷)، «*اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن*»، *اقتصاد اسلامی*، سال ۱۲، شماره ۴۷.
۲۴. نقی پورفر، ولی اله (۱۳۷۱)، *پژوهشی پیامون تدبیر در قرآن*؛ زمینه‌ها، کلیدها، اصول، شیوه‌ها، مراحل، نمونه‌ها، تهران، اسوه.
25. Fred,R David (1997),*Strategic Management*,New York: Prentice-Hall International PUB.